

## **A Comparative Study of the Criteria of Allegorical Interpretation in the Mystical Exegesis of Surah Ghadr<sup>1</sup>**

**Fereshteh Ghanbari**<sup>\*</sup>

**Hoseyn Mozaffari**<sup>\*\*</sup>

(Received on: 2019-03-10; Accepted on: 2019-07-10)

### **Abstract**

Belief in the exoteric and esoteric meanings of the Quran, or in other words, the exegesis and allegorical interpretation of the Quran is one of the controversial topics that the researchers of the Quranic and Islamic sciences have paid special attention to. They have established criteria and standards for mystical interpretation, understanding the truth, and the interior of the Quran. The present research examines three important criteria for the esoteric interpretation of Surah Ghadr as follows: the relationship between the external and internal interpretation of the Quran, the absence of exegetical meanings against religious rules, and the absence of exegetical meanings against enlightened intellect in the esoteric interpretation. The results of this study show that the esoteric meaning of Surah Ghadr corresponds to the principles and rules of mystical interpretation, that is, the exoteric meaning of this Surah is hidden in its esoteric interpretation and does not contradict the rules of Islam and enlightened intellect.

**Keywords:** Exegesis, Allegorical Interpretation, Rules of Allegorical Interpretation, Exoteric Meaning, Esoteric Meaning, Surah Ghadr.

---

1. This article is taken from: Fereshteh Ghanbari, "Relationship between Ghadr Night and Perfect Human Being from the Perspective of the Quran and Islamic Mysticism", 2016, Master's Thesis, Supervisor: Ali Fazli, Faculty of Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

\* PhD Student of Sufism and Islamic Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), fereshteh\_ghanbari\_sm@yahoo.com.

\*\* Assistant Professor, Department of Mysticism, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran, h.mozaffari48@gmail.com.

## بررسی تطبیقی ضوابط تأویل در تفسیر عرفانی سوره قدر<sup>۱</sup>

فرشته قنبری\*

حسین مظفری\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۹]

### چکیده

اعتقاد به وجود معانی ظاهری و باطنی قرآن، یا به عبارت دیگر تفسیر و تأویل قرآن از مباحث بحث‌برانگیزی است که محققان علوم قرآنی و اسلامی به آن توجه و اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند و به منظور جلوگیری از بدعت و ورود اندیشه‌هایی که با روح شریعت منافات دارد، ضوابط و معیارهایی را برای تأویل عرفانی یا درک حقیقت و باطن قرآن قائل شده‌اند. در پژوهش حاضر سه معیار مهم، شامل ارتباط بین تفسیر ظاهری و باطنی قرآن، مخالفت‌نداشتن معانی تأویلی با قواعد دینی و مخالفت‌نداشتن معانی تأویلی با عقل منور در تفسیر باطنی سوره قدر بررسی شده است. نتایج این بررسی نشان داده است که معنای باطنی سوره قدر با اصول و ضوابط تأویل عرفانی مطابقت دارد، بدین معنا که معانی ظاهری این سوره در تفسیر باطنی‌اش نهفته است و با قواعد دین اسلام و عقل منور مخالفتی ندارد.

**کلیدواژه‌ها:** تفسیر، تأویل، ضوابط تأویل، معنای ظاهری، معنای باطنی، سوره قدر.

---

۱. برگرفته از: فرشته قنبری، رابطه شب قدر و انسان کامل از منظر قرآن و عرفان اسلامی، استاد راهنما: علی فضلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تصوف و عرفان اسلامی، دانشکده عرفان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۵.

\* دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

Fereshteh\_ghanbari\_sm@yahoo.com

\*\* استادیار گروه عرفان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران mozaffari48@gmail.com

## مقدمه

موضوع معانی ظاهری و باطنی قرآن، یا به عبارت دیگر تفسیر و تأویل قرآن همواره محل بحث و گفت‌وگوی دانشمندان و محققان علوم اسلامی و قرآنی بوده است. دیدگاه‌ها، تفاسیر و تعبیر مختلف از کلام الاهی سبب شده است نیاز به معیار و ضوابط در تأویل عرفانی، مهم تلقی شود. به عبارت دیگر، تأویل قرآن به سبب ظرافت و پرهیز از هر گونه افراط و تفریط و نیز تأویل به رأی، نیازمند ضوابطی است که رعایت آنها می‌تواند به مسیر درست فهم دقیق و عمیق آیات قرآن و کلام خدا منتهی شود. سنجش تفاسیر باطنی با این معیارها نیز می‌تواند رهنمونی برای پذیرش و رد تفاسیر باطنی مطرح شده باشد.

نظر به اینکه سوره قدر به یکی از حوادث مهم هستی، بلکه شاید مهم‌ترین آنها، پرداخته و از این‌رو در تفاسیر ظاهری و باطنی قرآن محل توجه خاص مفسران بوده است، لذا این تحقیق بر آن است تا ضمن بیان مختصری از تعریف «تأویل عرفانی» و تفاوت آن با تفسیر ظاهری قرآن، ضوابط تأویل عرفانی را بیان کند و در پایان اصول و ضوابط تأویل در تفسیر عرفانی سوره قدر را بکاود.

### ۱. تعریف «تأویل عرفانی»

«تأویل» در لغت به معنای «مطلق رجوع و بازگشت» است (الجوهری، ۱۳۹۹: ۱۶۲۷/۴). راغب اصفهانی در *مفردات* نیز تأویل را بازگشت چیزی به اصل و غایت آن معنا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹/۱). اهل معرفت تأویل را بازگشت ظاهر به باطن می‌دانند. چنانچه عبدالرزاق کاشانی می‌گوید: «ظاهر قرآن تفسیر و باطن آن تأویل است» (کاشانی، ۱۴۲۲: ۶/۱). سید حیدر آملی نیز با استناد به حدیثی از حضرت محمد (ص) مبنی بر اینکه «قرآن دارای ظاهر و باطنی است و بطن آن نیز دارای بطن است تا هفت بطن» می‌گوید «قرآن ظواهری دارد که باید تفسیر شود و بواطنی که باید تأویل گردد تا انتهای مراتب هفت‌گانه» (آملی، ۱۴۱۴: ۳۰۲/۱). بنابراین، تأویل عرفانی با عمق و باطن قرآن سر و کار دارد که آن را «تفسیر باطنی» هم می‌نامند.

## ۲. اصول و ضوابط تأویل عرفانی قرآن کریم

با توجه به تعاریفی که درباره «تأویل» ذکر شد، می‌توان به این حقیقت دست یافت که تأویل با باطن و عمق کلام خدا سر و کار دارد و به نوعی راه‌یابی به مغز سخنان الهی است، که بسیار ظریف و دشوار است و ممکن است در نهایت منجر به تفسیر به رأی و انحراف و بدعت شود. از این رو معیار و اصولی نیاز است که تمسک به آنها مانع تأویل نادرست آیات شود. مهم‌ترین این اصول عبارت است از:

### ۲. ۱. ارتباط بین تفسیر ظاهری و باطنی قرآن

عارفان و محققان مسلمان معتقدند معانی ظاهری و باطنی قرآن مخالفتی با یکدیگر ندارند. یعنی هیچ آیه‌ای از قرآن نیست که معنای مخالف ظاهر آن تأویل شود و توجه به معنای باطنی به معنای نادیده گرفتن ظاهر آن نیست. مثلاً غزالی جمع بین باطن و ظاهر قرآن را توصیه می‌کند و می‌گوید: «بسندکنندگان به ظاهر قرآن حشویه هستند، بسندکنندگان به باطن قرآن باطنیه، و جمع‌کنندگان میان ظاهر و باطن، انسان‌های کامل» (غزالی، ۱۳۸۳: ۷۳). تا جایی که او قول به مخالفت باطن قرآن با ظاهرش را به کفر نزدیک می‌بیند: «هر کس بگوید حقیقت مخالف شریعت، یا باطن متناقض با ظاهر است، چنین شخصی به کفر نزدیک‌تر است تا به ایمان» (همو، بی‌تا: ۱۷۳). ابن عربی نیز در همین راستا «سعادت تام» را از آن کسانی می‌داند که به جمع میان ظاهر و باطن قرآن پرداخته‌اند و آنها را «عالمان به خدا و احکام خدا» می‌داند (ابن عربی، بی‌تا: ۳۳۴/۱). جندی نیز معتقد است دور از شأن باری تعالی است که در ظاهر قرآن بندگانش را خطاب کند و از آن مقصودی نداشته باشد. به نظر وی، غفلت از ظاهر قرآن و شریعت منجر به خارج شدن از حد اعتبار متون شرعی می‌شود (جندی، ۱۳۸۱: ۲۸۹-۲۹۰). ملاصدرا مخالفت میان ظاهر و باطن را از «نشانه‌های گمراهی و احتجاب» می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۸۷). طباطبایی هم می‌گوید: «همانا در قرآن یک آیه نیز وجود ندارد که معنایی خلاف ظاهر از آن اراده شده باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۸/۳).

بررسی تطبیقی ضوابط تأویل در تفسیر عرفانی سوره قدر / ۲۶۷

با توجه به دیدگاه‌های محققان و عارفان اسلامی می‌توان نتیجه گرفت که معنای ظاهری قرآن از حجیت خاص برخوردار است و معنای باطنی قرآن هیچ مخالفتی با ظاهرش نباید داشته باشد.

## ۲.۲. مخالفت‌نداشتن معانی تأویلی با قواعد دینی

این مسئله یکی از مهم‌ترین اصولی است که بسیاری از دانشمندان اسلامی و عارفان مسلمان به آن اشاره کرده‌اند. قونوی معتقد است تمامی معانی تأویلی که با اصول شریعت منافاتی داشته باشد حجیتی ندارد و آن دسته از معانی که مخالفتی با اصول شرعیه ندارد حق است (قونوی، ۱۳۸۱: ۱۸۸). ملاصدرا نیز می‌گوید اگر حمل بر ظاهر با اصول و عقاید دینی و یقینی در تضاد باشد، باید الفاظ را به ظاهر خود باقی گذاشت و از تأویل آن خودداری ورزید و علم آن را به خدا و راسخان در علم واگذاشت (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۲۵۹-۲۶۱). لذا این اصل تأکید دارد که تفاسیر باطنی باید موافق با کتاب و سنت باشد و هیچ‌گونه تضادی با این دو مقوله نداشته باشد.

## ۲.۳. مخالفت‌نداشتن معانی تأویلی با عقل منور

عارفان و محققان مسلمان ضمن تأکید بر عقل به عنوان رسول باطنی خدا در وجود انسان و میزان تشخیص حق و باطل، عقلی را برای این تشخیص موثق می‌دانند که منور به نور الاهی باشد (مظفری، ۱۳۹۱: ۲۴۶). عقلی که منور به نور قوه بالاتر، یعنی قلب، است «عقل اشراقی» یا «عقل منور» نامیده می‌شود (یزدان‌پناه، ۱۳۹۵: ۱۲۸/۱-۱۳۰). جندی می‌گوید: «راه عقل منور آن است که علم آن را، یعنی دلیل عقلی و شرعی، را به خدا واگذارد و به او و تمام آنچه شریعت‌های فرورستاده بر زبان پیامبران آن را آورده‌اند، همان‌گونه که خداوند اراده کرده است، بدون تأویل فکری آن و تحکم عقلی بر اساس عقل و رأی خویش ایمان آورد» (جندی، ۱۳۸۱: ۲۸۵). قیصری نیز «عقل منور» و «شرع مطهر» را دو راه معتبر دریافت حقایق امور عالم می‌داند (قیصری، ۱۳۷۵: ۶۱۴). در واقع، عقل منور عقلی است که به مراتب بالا و قدسی دست یافته و نور شهود به آن رسیده (امینی، ۱۳۹۰: ۵۲) و آن را

منور کرده است. چنین عقلی از محدودیت‌های جاری رها شده و به حقایق باطنی دست یافته است.

### ۳. بررسی تطبیقی تفسیر ظاهری و باطنی سوره قدر

با توجه به اصل اول ضوابط تأویل، یعنی «مخالفت‌نداشتن تفسیر باطنی با تفسیر ظاهری قرآن» نیاز است که تفسیر ظاهری و باطنی سوره قدر بررسی شود و چون مراد از ظاهر قرآن، ظاهر مجموع قرآن است نه ظاهر یک آیه خاص (مظفری، ۱۳۹۱: ۲۳۰)، باید در نظر داشت که علاوه بر آنکه سوره‌ای مستقل درباره شب قدر نازل شده (سوره ۹۷)، آیات مختلفی از سوره‌های قرآن کریم نیز به آن اشاره می‌کنند. با نگاه اجمالی به تفسیر سوره قدر و وقایع مرتبط با آن می‌توان به نکات ذیل دست یافت:

#### ۳. ۱. نزول یکباره و دفعی قرآن در شب قدر

چنانچه از تفسیر ظاهری قرآن برمی‌آید، نزول جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب الهی در شب قدر صورت گرفته است. در زبان عربی «انزال» و «تنزیل» متمایز از یکدیگرند. «انزال» به معنای فرود آمدن شیء به صورت دفعی است و تنزیل به معنای فرود آمدن آن به صورت تدریجی است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۵: ۲۹۲). خداوند نیز در قرآن می‌فرماید: «ماه مبارک رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده است» (بقره: ۱۸۵).<sup>۱</sup> در آیه دیگری می‌فرماید: «به راستی آن را در شبی پُربرکت نازل کردیم» (دخان: ۳).<sup>۲</sup> از طرف دیگر، قرآن از منبع علمی خدا صادر شده است. این کلام الهی دارای مراتبی است. مرتبه «بسیط» قرآن مرتبه‌ای است که در شب قدر بر قلب مطهر رسول اکرم (ص) نازل شده و مرتبه «تفضیلی» آن در طول ۲۳ سال تدریجاً نازل شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵/۲-۱۸). پس با تأکید در آیه یک سوره قدر می‌توان نتیجه گرفت که شب قدر شب نزول دفعی قرآن است.<sup>۳</sup>

عرفا نیز این واقعه را چنین توصیف می‌کنند: راز شیرازی معتقد است حقیقت قرآن در لیلۃ القدر به صورت نوری بر حضرت رسول (ص) نازل شده، لذا نزول قرآن دفعی است (راز شیرازی، ۱۳۶۳: ۵۷۱/۱)، بدین معنا که تمام حقایق قرآن یکباره بر قلب پیامبر اکرم (ص)

نازل شده است. موسوی خمینی در تفسیر قرآن مجید اشاره می‌کند که «انا» و «انزلناه» هر دو دارای صیغه جمع‌اند. بنابراین، اشاره به جمیع اسماء و صفات الهی دارد. به عبارت دیگر، این کتاب صورت «اسم اعظم» است. وی تأکید می‌کند که از این لحاظ همچون انسان کامل است و حقیقت قرآن و انسان کامل در «حضرت غیب» یکی است (ایازی، ۱۳۸۶: ۴۸۱/۵). صفی‌علی‌شاه نیز در تفسیر خود این مطلب را چنین به نظم می‌کشد:

آمد اینکه ما فرستادیم چند در شب قدر این کتاب ارجمند  
یعنی آن از لوح محفوظ مبین در سماء دنیوی آمد چنین  
پس و را روح الامین در بیست سال در جهان آورد ز امر ذوالجلال  
(صفی‌علی‌شاه، ۱۳۷۸: ۸۳۰/۱)

در مخزن العرفان آمده است که شاید منظور از نزول قرآن این باشد که قرآن «از عالم مافوق الطبیعه تنزل یافته و به صورت الفاظ در عالم طبیعت که مصداق و مظهر کاملش مرتبه حسّ و بدن محمدی (ص) است که بسیار بزرگ و با عظمت و جلال و شریف و ذی‌قدر است، فرود آمده است» (امین، بی‌تا: ۲۰۸/۱۵). موسوی خمینی نیز در این باره معتقد است قرآنی که در شب قدر نازل شده، از مقام وحدت با ذات و از تجلیات اسمائی نازل شده است (ایازی، ۱۳۸۶: ۴۸۱/۵).

قرآن از معدن عظمت الوهیت فرود آمده و معانی و مطالبی از «عالم لاهوت به عالم ناسوت ظهور نموده و همان طوری که معانی از مرتبه عقل انسانی تنزل می‌نماید به مرتبه نفس وی و از آنجا به مرتبه خیال و از مرتبه خیال به مرتبه حسّ مشترک و ذهن و از آنجا به صورت الفاظ در خارج بروز و ظهور می‌نماید، همین طور قرآن ... از مرتبه علم لدنی و دفتر آفرینش تنزل نموده در عالم قضا ... و از مرتبه قضا تنزل نموده و در لوح محفوظ ثبت گردیده و در عالم مجردات و در مرتبه عقل کل که مظهر تام و تمام او حقیقت محمدیه است ظهور پیدا نموده و از آن مرتبه نیز تنزل نموده و در مرتبه نفس کلی عالم که مظهر تام و تمام آن نفس شریف محمدی (ص) و قلب مبارک وی است فرود آمده و نیز از آن مرتبه تنزل نموده و در عالم طبیعت فرود آمده و به صورت الفاظ بروز و ظهور نموده است»

(امین، بی تا: ۲۰۷/۱۵). به عبارت دیگر، به نظر عارفان، شب قدر واجد حقایق پنهان است، عبارات و الفاظ لیلۃ القدر نازل‌ترین مرتبه آن محسوب می‌شود. سلطان علی شاه می‌گوید: «لیلة القدر نوشته‌های مداد و قلم و الفاظی است که نوشته شده است و این الفاظ مخفی کرده است معانی حقایق را در خود» (گنابادی، ۱۴۰۸: ۲۶۷/۴) و نیز چنین تفسیر می‌کند که «قرآن را خدای تعالی از حیث صورتش در شب قدر نازل فرمود که آن سینه محمد (ص) و در شب قدر که آن نقوش مدادی و الفاظی است که معانی تحت آن پنهان می‌شوند» (سلطان علی شاه، ۱۳۷۲: ۱۴/۵۹۱-۵۹۲).

در برخی روایات شب قدر به انسان کامل نسبت داده شده که این موضوع مهمی است. کتاب‌های تفسیری و روایات معانی متعددی برای لیلۃ القدر مطرح کرده‌اند. برخی از این معانی به نحوی مرتبط با انسان کامل است که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم. در بیان السعادة فی مقامات العبادۃ آمده است که «لیلة القدر در حقیقت سینه محمد (ص) است» (گنابادی، ۱۴۰۸: ۲۶۷/۴).<sup>۴</sup> در تفسیر منظوم صفی اثر شیخ صفی علی شاه بر همین اصل، لیلۃ القدر را چنین تعریف می‌کند:

نزد تحقیق از کمال سرمدی	لیلة القدر است بنیه احمدی
حال کون احتجابش بالعهد	بر مقام قلب از بعد شهود
زانکه ممکن نیست آن انزال خاص	جز که در این بنیه در این حال خاص
نیست ظاهر قدر آن بر هیچ کس	خود شناسد قدر آن احوال و بس

(صفی علی شاه، ۱۳۷۸: ۸۳۰)

همچنین، روایتی از حضرت امام صادق (ع) در تفسیر فرات کوفی نقل شده است که مؤید این رابطه است: «انا انزلناه فی لیلۃ القدر؛ اللیلۃ فاطمة والقدر الله» (فرات کوفی، ۱۴۰۳: ۵۸۱). البته باید توجه داشت که نور ولایت در شب قدر نازل می‌شود و درباره حضرت فاطمه زهرا (س) گفته می‌شود که مطلع الانوار العلویة است. یعنی نور ولایت علی (ع) در لیلۃ القدر بر حضرت فاطمه (س) نازل می‌شود و چنین است که یازده قرآن ناطق از ایشان صادر می‌گردد. لذا ایشان محل تجلی انوار علوی است. به عبارت دیگر، نور علوی در



وجود فاطمی تنزل می‌کند و در وجود امامان در لیلة القدر اندازه می‌خورد و به ظهور می‌رسد. بنابراین، انسان کامل هم ظرف حقایق قرآنی است و هم خلیفة الله و صاحب ولایت کلیه که هستی بر بقا و وجودش استوار است. لذا حقایق شب قدر استمرار داشته و وقایع آن شب پس از حضرت فاطمه (س) بر امامان معصوم (ع) تجدید می‌شود. یعنی وقایع شب قدر، همان‌گونه که در زمان رسول خدا (ص) هر ساله از مجرای وجودی آن حضرت ظهور می‌یافت، پس از رحلت آن حضرت نیز بر کسانی که سنخیت وجودی با وی داشته و خلیفة الله یا خلیفه رسول خدای هستند واقع می‌شود؛ زیرا با توجه به شاخصه‌هایی که در انسان کامل وجود دارد و برای لیلة القدر هم بیان شد، انسان کامل همان لیلة القدر است و با توجه به صفت خلیفة اللهی که در انسان کامل وجود دارد و بر استواری خلیفه در روی زمین دلالت می‌کند، همیشه لیلة القدر وجودی و انسان کامل با بدن عنصری موجود است که مصداقش در این عصر حضرت بقیة الله الاعظم است.

پس روشن است که آیه «انا انزلناه فی لیلة القدر» بر اساس معنای ظاهری به نزول قرآن کریم در شب قدر به عنوان ظرف زمانی ناظر است و این ظرف زمانی پُربرکت بر نزول دفعی و یک‌مرته‌ای قرآن دلالت دارد و نیز تفسیر انفسی و باطنی این آیه ناظر به تجلی الله در قلب انسان کامل است که حضرت فاطمه (س) مصداق انسان کامل است. به عبارت دیگر، در تفسیر ظاهری، شب قدر به عنوان ظرف زمانی در نظر گرفته شده و در تأویل عرفانی شب قدر، بنیه وجودی انسان کامل، ظرف معنوی‌ای است که حقیقت قرآن در آن تجلی و نزول پیدا می‌کند. مظروف این ظرف نیز در تفسیر ظاهری، تمام آیاتی است که دفعی و یکجا نازل شده، اما در تأویل عرفانی، حقیقت قرآن و نزول نوری و فراخلتی و معنوی قرآن است.

### ۳.۲. تقدیر امور در شب قدر

واژه «قدر» در آیه اول سوره قدر بر اندازه‌گیری و تقدیر دلالت دارد و آن شبی است که تمام مقدرات سال در آن رقم می‌خورد و قالب و اندازه خاص هر پدیده روشن می‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «در آن [شب] هر [گونه] کاری [به نحوی] استوار

فیصله می‌یابد»<sup>۵</sup>. نکات زیر در آیاتی که برای وصف شب قدر نازل شده در خور توجه است:

۱. برنامه‌ریزی جداگانه امور از یکدیگر: در این شب هر امری حکمش از امر دیگر ممتاز می‌شود. به عبارت دیگر، هر امری جدا از امور دیگر ارزیابی می‌شود و برای هر شخص و هر کارش حکم و تقدیر جداگانه‌ای مشخص می‌گردد.

۲. کل امر: این تدبیر و تقدیر به همه امور مربوط می‌شود. در این شب همه امور از قبیل روزی، اجل، حوادث و ... شکل می‌گیرد.

۳. همه اموری که در شب قدر تعیین می‌شود حکیمانه است.

۴. این تعیین و اندازه‌گیری از ناحیه خداوند حکیم تحقق می‌یابد (میرباقری، ۱۳۸۱: ۵۰/۱-۵۱).

امام جعفر صادق (ع) فرمود: «هر امری که در عالم تا سال بعد تحقق می‌یابد در شب قدر مقدور و منظم می‌گردد. هر خوبی و بدی، اطاعت و معصیت و تولد و وفات و روزی هر کسی در این شب تقدیر می‌شود و آنچه در این شب تقدیر شده تحقق آن حتمی است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۷/۴-۱۵۸). از برخی روایات نیز برمی‌آید که تقدیر امور مراتبی دارد. مقدرات در شب نوزدهم «تقدیر» و در شب بیست و یکم «تحکیم» و در شب بیست و سوم «امضا» می‌شود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۸۹/۲۷)، یا بدین معنا که آنچه در شب نوزدهم تعیین و مقدر شده تغییرپذیر است و آنچه از شب نوزدهم تا بیست و یکم مقدر می‌شود ثبت شده و در شب بیست و سوم قطعی و نهایی می‌گردد. پس در شب قدر آخرین مراحل مشیت الاهی صورت می‌گیرد و پس از آن تغییر و تبدیلی انجام نمی‌شود و این هر ساله تکرار می‌شود. ملامحسن فیض کاشانی می‌گوید: «شب قدر یعنی شب اندازه، و آن یعنی شبی که حق سبحانه در وی تقدیر کند و اندازه نماید هر چه در آن سال خواهد آمد» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۵۱/۵).

در این شب شریف تقدیر و سرنوشت رقم می‌خورد و انسان کامل ظرف تحقق و تعیین این تقدیر الاهی است، محل مشیت‌الله و واسطه فیض الاهی به همه مخلوقات است و همه

چیز از مجرا و مدار وجودی او تحقق می‌یابد و قلم خداوندی از حقیقت وجودی‌اش ظهور می‌یابد. شب قدر همان ظرف تنزل حقایق جهان غیب در این جهان است که با تنزل وجودی و حقیقت انسان کامل برابر است و درک شب قدر به معنای مشاهده این تنزل مشروط بر درک این حقایق با چشم دل و علم حضوری است. به عبارت دیگر، باطن نوری انسان کامل با تنزلات وجودی‌اش امر الاهی را تدبیر می‌کند و به آن اندازه وجودی خاصی می‌بخشد که از این اندازه وجودی به «تقدیر» تعبیر می‌شود و همین دلیل نامیدن این شب به نام «شب قدر» است.

نتیجه اینکه تفسیر ظاهری و تفسیر باطنی شب قدر هر دو تأکید دارند که شب قدر، شب تقدیر تشریحی و تکوینی، و شب تعیین امور خلقی است.

### ۳.۳. عظمت و شرافت شب قدر

شب قدر دارای قدر و شرافتی عظیم است. اهمیت و شرافت شب قدر را نیز می‌توان از برخی آیات قرآن که درباره این شب نازل شده، دریافت. از نظر قرآن کریم، شب قدر شبی است که به غیر از خداوند عالم کسی به عظمت و بزرگی‌اش واقف نیست، چنان‌که خداوند می‌فرماید: «چه می‌دانی شب قدر چیست؟»<sup>۶</sup>. این‌گونه خطاب قراردادن پیامبر اکرم (ص)، به عنوان برترین مخلوق خدا، حاکی از مهم بودن شب قدر است. در آیه دیگری خداوند این شب را از هزار ماه که تقریباً برابر با ۸۳ سال و چهار ماه است بهتر می‌داند.<sup>۷</sup> این برتری حیرت‌آور برای بیان عظمت فوق‌العاده این شب است. احادیث و روایات متعددی هم هست مبنی بر اینکه شب قدر از هزار ماه جهاد و از سلطنت هزار ماه و عبادتش از عبادت هزار ماه بهتر است. روایت است که نزول سوره قدر پس از خوابی است که رسول خدا (ص) در آن بنی‌امیه را بر منبر شریف خود دیدند، در جایی که مردم را به سوی گمراهی رهبری می‌کنند و از دین اسلام برمی‌گردانند. رسول خدا (ص) اندوهگین از خواب برخاست و خوابش را برای جبرئیل بیان کرد. جبرئیل به آسمان صعود کرد. طولی نکشید که سوره قدر را از طرف پروردگار آورد و فرمود ما شب قدر را به تو عطا کردیم که از هزار ماه سلطنت بنی‌امیه بهتر است (بروجردی، ۱۳۶۶: ۴۵۳/۷). از امام سجاد (ع) روایت شده

است که: «خداوند به پیامبر فرمود: آیا می‌دانی چرا شب قدر از هزار ماه برتر است؟ پیامبر عرض کرد: نه. خداوند فرمود: زیرا در این شب ملائکه و روح به اذن پروردگارشان هر امری را فرود می‌آورند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۰).

عرفا نیز شب قدر را شیئی پُربرکت و سالم می‌دانند، چنان‌که ابن عربی آن شب را به دلیل کثرت سلام از جانب خدا و همه فرشتگان، فارغ از همه کاستی‌ها و عیب‌ها می‌داند و در توضیح «ألف» در «من ألف شهر» می‌گوید: «وقتی گفته می‌شود «هذا خیر من ألف شهر» یعنی این فرد به‌تنهایی از تمام افراد نوعش بهتر است. نتیجه اینکه لیلة القدر به‌تنهایی از تمامی شب‌های دیگر برتر است» (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۴۴۷/۲). در بیان تفسیر باطنی شب قدر از امام صادق (ع) در تفسیر فرات کوفی آمده است: «انا انزلناه فی لیلة القدر» الیلة فاطمة والقدر الله، فمن عرفه فاطمة حق معرفتها فقد ادرك خیر من الف انما سمیت فاطمة لان الخلق فطموا عن معرفتها، و قوله: «و ما ادراك ما لیلة القدر، لیلة القدر خیر من الف شهر» یعنی خیرا من الف مؤمن و هی ام المؤمنین» (فرات کوفی، ۱۴۰۳: ۵۸۱). طبق این روایت، درک حقیقت شب قدر مشروط به درک فاطمه (س) است. زیرا اگر کسی فاطمه (س) را به گونه‌ای شایسته، یعنی به عنوان مجالی تام اسماء و صفات الاهی بشناسد قادر به درک لیلة القدر خواهد شد. زیرا انسان کامل مظهر و محل تجلی اسم جامع الله است. پس کنه وجود آن حضرت، که متجلی و مظهر الله است، همانند کنه وجود حضرت حق شناختنی نخواهد بود. به همین دلیل هم حضرت فاطمه (س)، «فاطمه» نامیده شده است. از طرف دیگر، انسان کامل صاحب روح القدس است، یعنی روحی که صاحب عصمت است و کسانی که صاحب روح القدس (عصمت) نیستند مفهوم «عصمت» را درک نخواهند کرد. در نتیجه «لیلة القدر» یعنی «فاطمه الله» و این یعنی فاطمه (ع) حقیقتی است که به ذات الاهی منسوب است و «ما ادراك ما لیلة القدر» یعنی تو چه می‌دانی فاطمه الله کیست و این اشاره به همین معرفت‌ناپذیری آن حضرت دارد و نیز مطابق کلام حضرت امام صادق (ع) مراد از «لیلة القدر خیر من الف شهر» این است که حضرت فاطمه (س) از هزار مؤمن برتر و بالاتر است و به عبارتی ام‌المؤمنین است و عدد هزار در اینجا به کثرت بسیار که شمارش‌پذیر نیست اشاره دارد.

در نتیجه، بر ناتوانی انسان از درک شب قدر در تفسیر ظاهری و باطنی از شب قدر تأکید شده است.

### ۳.۴. نزول ملائکه و روح در شب قدر

یکی از وقایع مهم شب قدر نزول فرشتگان و روح است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است: «در آن [شب] فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود می‌آیند».<sup>۱</sup> در این آیه نکاتی چند در خور تأمل است:

۱. ملائک و روح به سوی زمین فرود می‌آیند. برخی گفته‌اند در شب قدر آن قدر فرشته نازل می‌شود که عرصه زمین بر آنها تنگ می‌آید.

۲. ملائک به همراه روح نازل می‌شوند و دو موجودیت جدا هستند.

۳. ملائک و روح به فرمان الهی در شب قدر به سوی زمین فرود می‌آیند و خدمت امام معصوم حی می‌رسند.

۴. آنها حامل اموری بسیار مهم‌اند و برای انجام‌دادن اموری فرود می‌آیند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۸۹/۲۷).

در این خصوص عرفا نیز معتقدند درهای آسمان گشوده می‌شود و فرشتگان فرود می‌آیند تا مؤمنان را نظاره‌گر باشند (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۶۷۹/۲). به عبارت دیگر، شب قدر نوعی جشن سالگرد قرآن است که به مناسبت آن جبرئیل و فرشتگان بر زمین فرود می‌آیند تا روزگار مخلوقات را پُربرکت کنند (کرمانی، ۱۳۶۶: ۳۵۹/۱). خداوند شب قدر را انتخاب کرد که فرشتگان آسمان را به عدد سنگ‌ریزه بر زمین فرستد تا بر بندگان رحمت کند (میبیدی، بی تا: ۳۳۹/۷). ملکی تبریزی نیز می‌گوید: «فرشتگان در شب قدر فرود آمده و در زمین پخش می‌شوند و بر مجالس مؤمنین گذشته بر آنان سلام می‌کنند و برای دعاها آنها آمین می‌گویند تا آن دم که سپیده دم طلوع کند» (ملکی تبریزی، ۱۳۸۸: ۳۴۷).

حضرت امام صادق (ع) در بیان حقایق باطنی این آیات می‌فرماید: «تنزل الملائكة والروح فیها» والملائكة المؤمنون الذین یملکون علم آل محمد (ص) والروح القدس هی فاطمة (ع) (فرات کوفی، ۱۴۰۳: ۵۸۱). یعنی در «تنزل الملائكة والروح فیها» مراد از «ملائکه»

مؤمنانی است که مالک علم آل محمدند، یعنی امامان (ع)؛ و منظور از «روح»، روح القدس یعنی حضرت فاطمه زهرا (س). بنابراین، در این تفسیر باطنی، که تفسیری از عقل منور است، تفسیر ظاهری را هم که نزول فرشتگان و روح است در معنای باطنی خویش نهفته دارد.

### ۳.۵. برکت شب قدر

قرآن کریم سرتاسر شب قدر را از لحظه آغاز تا سپیده‌دم، شب رحمت و سلامت<sup>۹</sup> و شبی مبارک<sup>۱۰</sup> دانسته است. مبارک به معنای پُرخیبر و برکت که نشان‌دهنده گنجایش خیر پایدار و کثیر این شب، به علت نزول کتاب مبارک<sup>۱۱</sup> است. به عبارت دیگر، آیات قرآن تصریح می‌کند که قرآن از جهت نازل‌کننده،<sup>۱۲</sup> از جهت زمان نزول<sup>۱۳</sup> و از جهت خود قرآن مبارک<sup>۱۴</sup> است.

امام سجاد (ع) در نیایش چهل و چهارم صحیفه سجاده می‌فرماید: «آن شب، شب سلام و درود فرشتگان است و دامنه برکاتش تا سپیده‌دم کشیده می‌شود» (صحیفه سجاده، ۱۳۷۹: ۲۶۰-۲۶۱). تحیت و سلام فرشتگان به برکت این شب می‌افزاید. رسول خدا (ص) درباره سلام و تحیت فرشتگان فرمودند: «فرشتگان از آسمان فرود می‌آیند و به دور ما طواف می‌کنند و تحیت بر ما می‌فرستند» (بروجردی، ۱۳۶۶: ۴۶۳/۷). در روایتی آمده است که حضرت موسی (ع) از خداوند قرب و رحمت، سهولت عبور از صراط، بهره‌مندی از میوه‌های بهشتی، رهایی از آتش و رضای او را طلب می‌کند و خداوند متعال در پاسخ قرب را در بیداری شب قدر و رحمت را در ترحم به تنگ‌دستان در این شب، سهولت عبور از صراط را در انفاق در شب قدر، بهره‌مندی از میوه‌های بهشتی را در تسبیح‌گویی در شب قدر، رهایی از آتش را در استغفار، و رضای او را در خواندن دو رکعت نماز در شب قدر می‌داند (تهرانی، ۱۳۷۳). در برخی از روایات تأکید شده است که در شب قدر شیطان در بند است تا اینکه صبح طلوع کند. پس نمی‌تواند بر کسی آسیبی وارد کند (حویزی، ۱۴۱۵: ۶۱۴/۵) و از این جهت نیز این شب توأم با سلامت است.

از آنجایی که رحمت خداوند متعال با هیچ رحمت و برکتی قیاس‌پذیر نیست، پس خداوند بر مسلمانان منت نهاده و شب قدر را به آنان هدیه کرده است، چنان‌که پیامبر اکرم

(ص) می‌فرماید: «خداوند به امت من شب قدر را بخشید و احدی از امت‌های پیشین از این موهبت برخوردار نبودند» (رفیعی، ۱۳۹۳: ۳۸).

برخی از عارفان شب مکاشفه را شب قدر حقیقی می‌دانند. از نظر آنان، شب قدر شبی است که با حضرت حق پیوند خورند و بتوانند به عالم غیب دست یابند. چنانچه ابوحامد غزالی شب قدر را شبی می‌داند که در آن چیزی از ملکوت منکشف گردد (غزالی، ۱۳۸۶: ۵۱/۱). عین‌القضات همدانی معتقد است شب قدر از روح و ملائک ارزش یافت. زیرا وقتی جمال روح جلوه کند، هر جا که پرتو این جمال به آن رسد آن چیز قدر و ارزش می‌یابد. عبدالرزاق کاشانی در اصطلاحات صوفیه می‌نویسد:

چون شب قدر فرا رسد خدای تعالی برگزیدگان خود را پیش از ظهورش، یک یا دو ساعت یا نصف روز خیر می‌دهد. پس برای برگزیدگان مثل روشنایی صبح کشف می‌شود و در آن عجایب ملکوت و حق سبحانه و ملائکه و انبیا و پیروان حق و بهشت و اهل آن را می‌بینند (کاشانی، ۱۴۲۶: ۶۹).

عزیزالدین نسفی نیز شب قدر را شبی می‌داند که بر عارف تجلی حاصل شود (نسفی، ۱۳۸۱: ۱۲۳/۱). سعیدالدین فرغانی معتقد است اگر شبی بر وی از حضرت غیب متجلی شود، به جهت شرف و بزرگواری شادی و امیدواری، شادمانی حاصل وی شده و همه آن ماه نزد وی شب قدر است (فرغانی، بی‌تا: ۴۵۰/۱). از نظر ابن‌عربی، «شب قدر شبی است که انسان متحقق به انسانیت خود، یعنی جامع صورت الاهی و حقایق کونیه می‌شود» (حکیم، بی‌تا: ۱۰۱۱). طبق فرموده حضرت صادق (ع) مطلع الفجر به ظهور خورشید عالم‌تاب حضرت مهدی (عج) اشاره دارد که با ظهور ایشان صلح و سلام فراگیر خواهد شد.

#### نتیجه

تعبیر و تفسیر عینی سوره قدر نشانگر آن است که شب قدر ظرف زمان است که نزول یکباره و دفعی قرآن و تقدیر امور و نزول ملائکه و روح در آن محقق می‌شود. انسان کامل نیز کسی است که قرآن بر او نازل شده و ظرف حقایق قرآنی است. او میزبان و محل نزول

فرشتگان است و تمام آنها طواف‌کنندگان او در شب قدرند. این فرشتگان با اراده انسان کامل نزول و عروج دارند و در خدمت اویند. وجود انسان کامل که خلیفه‌الله و صاحب ولایت کلیه است و هستی به بقا و وجود او استوار است، به یقین مصداق اکملش پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و به تبع آن فرزندان ایشان‌اند که به اذن خدا علت هستی‌بخش جهان خلقی و حقیقت جهان غیب شمرده می‌شوند. در نتیجه، تنزل حقایق جهان غیب همان تنزل وجودی حقیقت انسان کامل است که در بنیه محمدی به عنوان مظهر انسان کامل نزول می‌یابد و نیز بین بنیه وجودی محمدی با حقیقت حضرت فاطمه (س) ارتباط وثیق برقرار است. در واقع، تا انسان کامل که همان وجود نورانی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) است در مراتب هستی تنزل نیابد، امر الاهی از ملکوت به ملک نمی‌رسد و تقدیر و مشیت الاهی در این جهان شکل نمی‌گیرد. این تنزل در هر عالمی مطابق با نظام آن عالم ظهور می‌یابد و هنگامی که بخواهد به صورت ظهور تقدیرات الاهی در جهان خلقت روی دهد در ظرف شب قدر نمود می‌یابد. بنابراین، وجود انسان کامل ظرف پذیرش وقایع شب قدر شده است که البته ظرف نزول قرآن و ملائکه و امورات از سنخ معنا و امور معنوی است. اگرچه ظرف و مظروف مادی هیچ‌گاه با هم متحد نمی‌شوند، اما در امور معنوی ظرف و مظروف وحدت یافته و یکی می‌شوند. بنابراین، حقیقت این ظرف معنوی انسان کامل است. یعنی حقیقت والای شب قدر عین انسان کامل است.

بنابراین، بر اساس هماهنگی معنای ظاهری و باطنی سوره قدر، از منظر مفسران و عرفا، شب قدر ظرف زمان است که نزول یکباره و دفعی قرآن و تقدیر امور و نزول ملائکه و روح در آن محقق می‌شود. شب قدر دارای مراتبی است که مرتبه پایین شب قدر ظرف زمان به معنای پاره‌ای از زمان (شب) است که این وقایع در آن انجام پذیرفته است. اما مرتبه اعلای شب قدر، حقیقتی است که با آن وقایع مرتبط گشته و در نهایت مصداق آن حقایق شده است و آن حقایق را در ظرف وجودی خود جای داده است، که این نشان از تطابق معنای باطنی سوره قدر با اصول و ضوابط تأویل عرفانی دارد. به عبارت دیگر، تمام وقایع بیان‌شده در معانی ظاهری شب قدر در تفاسیر باطنی‌اش نهفته است و بیان رابطه



شب قدر با انسان کامل نیز از منظر عقل منور (حضرت امام صادق (ع)) مطرح شده که هیچ تقابلی با ضوابط عرفانی نقل شده ندارد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ؛ ماه رمضان [همان ماه] است که در آن قرآن فرو فرستاده شده است» (بقره: ۱۸۵).
۲. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ؛ [که] ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم» (دخان: ۳).
۳. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛ ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم» (قدر: ۱).
۴. «ليلة القدر التي هي صدر محمد (ص)».
۵. «فيها يفرق كلُّ أمرٍ حكيمٍ» (دخان: ۴).
۶. «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» (قدر: ۲).
۷. «ليلة القدر خيرٌ من ألف شهر؛ شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است» (قدر: ۳).
۸. «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» (قدر: ۴).
۹. «سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ؛ [آن شب] تا دم صبح صلح و سلام است» (قدر: ۵).
۱۰. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ؛ [که] ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم» (دخان: ۳).
۱۱. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛ ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم» (قدر: ۱).
۱۲. «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا؛ بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود فرقان [= کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد» (فرقان: ۱).
۱۳. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ؛ [که] ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم» (دخان: ۳).
۱۴. «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ؛ [این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در [باره] آیات آن بیندیشند» (ص: ۲۹).

## منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۶). ترجمه: محمد مهدی فولادوند، تهران: دار القرآن الکریم.
- آملی، سید حیدر (۱۴۱۴). *المحیط الاعظم والبحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز الحکیم*، تهران: مؤسسه الطباعة والنشر.
- ابن عربی، محیی الدین (بی تا). *الفتوحات المکیة*، بیروت: دار صادر.
- ابن عربی، محیی الدین محمد (۱۴۲۲). *تفسیر ابن عربی*، تحقیق: سمیر مصطفی رباب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- امین، نصرت بیگم (بی تا). *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن*، بی جا: بی نا، چاپ اول.
- امینی، حسن (۱۳۹۰). «انتقال‌پذیری تجربه عرفانی»، در: *معارف عقلی*، س ۶، ش ۳ (۲۰)، ص ۴۷-۷۶.
- ایازی، محمدعلی (۱۳۸۶). *تفسیر قرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، عروج.
- بروجردی، محمدابراهیم (۱۳۶۶). *تفسیر جامع*، تهران: کتابخانه صدر.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۷۳/۱۱/۲۹). سخنرانی.
- جندی، مؤیدالدین (۱۳۸۱). *شرح فصوص الحکم*، تصحیح و تعلیق: سید جلال‌الدین آشتیانی، قم: بوستان کتاب.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۹۹). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، تحقیق: احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین.
- حسن زاده آملی، حسن (۱۳۸۵). *شرح فص حکمة عصمتیة فی کلمة فاطمیة*، قم: طوبی.
- حکیم، سعاد (بی تا). *المعجم الصوفی: الحکمة فی حدود الکلمة*، بیروت: دندرة للطباعة والنشر.
- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). *تفسیر نور الثقلین*، تصحیح: هاشم رسولی، قم: اسماعیلیان.
- راز شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۶۳). *مناهج انوار المعرفة فی شرح مصباح الشریعة*، تحقیق و تصحیح: سید محمدجعفر باقری، تهران: خانقاه احمدی، چاپ دوم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دار العلم والدار الشامیة.
- رفیعی، رفیع‌الدین سید جعفر (۱۳۹۳). *اسرار فاطمیة*، قم: خورشید هدایت.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۳۷۲). *متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعادة فی مقامات العبادة*، سرالاسرار، تهران: بی نا، چاپ اول.
- صحیفه سجادیه (۱۳۷۹). ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش.

## بررسی تطبیقی ضوابط تأویل در تفسیر عرفانی سوره قدر / ۲۸۱

- صفی‌علی‌شاه، محمد حسن بن محمد باقر (۱۳۷۸). *تفسیر قرآن صفی‌علی‌شاه*، تهران: منوچهری.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۸۶). *احیاء علوم الدین*، ترجمه و تصحیح: حسین خدیوچم، تهران: علمی فرهنگی، چاپ ششم.
- غزالی، محمد (۱۳۸۳). *مشکاة الانوار*، تحقیق و مقدمه: ابو العلاء عقیلی، قاهره: الدار القومية للطباعة والنشر.
- غزالی، محمد (بی‌تا). *احیاء علوم الدین*، بیروت: دار الكتاب العربی.
- فرات کوفی، ابی القاسم (۱۴۰۳). *تفسیر فرات کوفی*، تحقیق: محمد کاظم، بیروت: نشر مؤسسه تاریخ عربی.
- فرغانی، سعیدالدین (بی‌تا). *مشارق الدراری شرح تانیة ابن فارض*، تصحیح: سید جلال‌الدین آشتیانی، بی‌جا: بی‌نا.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵). *تفسیر الصافی*، تصحیح: سعید اعلمی، تهران: مکتبه الصدر.
- قونوی، صدرالدین (۱۳۸۱). *اعجاز البیان فی تفسیر ام القرآن*، تصحیح: سید جلال‌الدین آشتیانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- قیصری، داود بن محمد (۱۳۷۵). *شرح فصوص الحکم*، تصحیح: جلال‌الدین آشتیانی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- کاشانی، عبد الرزاق (۱۴۲۲). *تفسیر ابن عربی: تأویلات کاشانی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کاشانی، عبد الرزاق (۱۴۲۶). *اصطلاحات صوفیه*، تصحیح: عاصم ابراهیم الکیالی الحسینی الشاذلی الدرقاوی، بیروت: دار الکتب الاسلامیة.
- کرمانی، اوحدالدین (۱۳۶۶). *دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی*، تصحیح و تحقیق: احمد ابومحمود، تهران: سروش، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، تصحیح و تحقیق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ج ۴.
- گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸). *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مستملی بخاری، اسماعیل بن محمد (۱۳۶۳). شرح التعرف لمذهب التصوف، تصحیح و تحقیق: محمد روشن، تهران: اساطیر.

مظفری، حسین (۱۳۹۱). بررسی مبانی، ضوابط و روش‌های تأویل عرفانی قرآن کریم با تأکید بر تأویل‌های ملاصدرا و عارفان، استاد راهنما: سید یدالله یزدان‌پناه، رساله دکتری فلسفه، گرایش حکمت متعالیه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مکارم شیرازی، ناصر؛ و دیگران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳). مفاتیح الغیب، تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۸). سه رسائل فلسفی، مقدمه، تصحیح و تعلیق: سید جلال‌الدین آشتیانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

ملکی تبریزی، میرزا جواد آقا (۱۳۸۸). ترجمه المراقبات، قم: قائم آل محمد.

میبدی، ابوالفضل رشیدالدین (بی‌تا). کشف السرار و عاده الابرار، تصحیح: علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.

میرباقری، سید محسن (۱۳۸۱). «سخنی درباره شب قدر»، در: رشد آموزش قرآن، ش ۱.

نسفی، عزیزالدین (۱۳۸۱). زیادة الحقائق، تصحیح: حق‌وردی ناصری، تهران: طهوری، چاپ دوم.

یزدان‌پناه، سید یدالله (۱۳۹۵). فروغ معرفت، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.

## References

- The Holy Quran. 1997. Translated by Mohammad Mahdi Fuladwand, Tehran: The Noble Quran House.
- Ameli, Sayyed Heydar. 1993. *Al-Mohit al-Azam wa al-Bahr al-Khazm fi Ketab Allah al-Aziz al-Hakim (The Great Ocean and the Deep Sea in the Interpretation of the Book of God, the Mighty, the Wise)*, Tehran: Printing and Publishing Corporation. [in Arabic]
- Amin, Nosrat Beygam. n.d. *Tafsir Makhzan al-Erfan dar Olum Quran (The Repository of Mysticism in the Quranic Sciences)*, n.p: n.pub, First Edition.
- Amini, Hasan. 2011. "Enteghalpaziri Tajrobeh Erfani (Transferability of Mystical Experience)", in: *Intellectual Knowledge*, yr. 6, no. 3 (20), pp. 47-76. [in Farsi]
- Ayyazi, Mohammad Ali. 2007. *Tafsir Quran Majid Bargerefteh az Athar Imam Khomeini (Exegesis of the Holy Quran Taken from the Works of Imam Khomeini)*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, Oruj. [in Farsi]
- Borujerdi, Mohammad Ibrahim. 1987. *Tafsir Jame*, Tehran: Sadr Library.
- Farghani, Said al-Din. n.d. *Masharegh al-Darari: Shrah Taiyeh Ibn Farez*, Edited by Seyyed Jalal al-Din Ashtiyani, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Feyz Kashani, Mohammad ibn Shah Mortaza. 1994. *Tafsir al-Safi*, Edited by Said Alami, Tehran: Al-Sadr Press. [in Arabic]
- Forat Kufi, Abu al-Ghasem. 1982. *Tafsir Forat Kufi (Exegesis of Forat Kufi)*, Researched by Mohammad Kazem, Beirut: Publication of the Institute of Arabic History. [in Arabic]
- Ghazali, Abu Hamed Mohammad. 2007. *Ehya Olum al-Din (Revival of the Sciences of Religion)*, Translated & Edited by Hosayn Khadiwjam, Tehran: Scientific & Cultural, Sixth Edition. [in Arabic]
- Ghazali, Mohammad. 1963. *Meshkat al-Anwar (Niche of Lights)*, Researched & Foreworded by Abu al-Ala Afifi, Cairo: National House for Printing and Publishing. [in Arabic]
- Ghazali, Mohammad. n.d. *Ehya Olum al-Din (Revival of the Sciences of Religion)*, Beirut: Arabic Book House. [in Arabic]
- Gheysari, Dawud ibn Mohammad. 1996. *Sharh Fosus al-Hekam*, Edited by Jalal al-Din Ashtiyani, Tehran: Scientific & Cultural, First Edition. [in Arabic]

- Ghunawi, Sadr al-Din. 2002. *Ejaz al-Bayan fi Tafsir Omm al-Quran (The Miracle of Expression in the Interpretation of the Quran)*, Edited by Seyyed Jalal al-Din Ashtiyani, Qom: Islamic Propagation Office. [in Arabic]
- Gonabadi, Soltan Mohammad. 1987. *Tafsir Bayan al-Saadah fi Maghamat al-Ebadah (Explanation of Happiness in the Levels of Worship)*, Beirut: Al-Alamy Foundation for Publications, Second Edition. [in Arabic]
- Hakim, Soad. n.d. *Al-Mojam al-Sufi: Al-Hekmah fi Hodud al-Kalemah (Sufi Dictionary: Wisdom within the Limits of the Word)*, Beirut: Dandarrah for Printing and Publishing. [in Arabic]
- Hasanzadeh Amoli, Hasan. 2006. *Sharh Fass Hekmah Esmatayah fi Kalemah Fatemiyah*, Qom: Tuba. [in Arabic]
- Howayzi, Abd Ali ibn Jomoah. 1994. *Tafsir Nur al-Thaghalayn (Commentary of the Light of the Two Weighty Things)*, Researched by Hashem Rasuli, Qom: Ismailiyan. [in Arabic]
- Ibn Arabi, Mohyi al-Din Mohammad. 2001. *Tafsir Ibn Arabi (Ibn Arabi's Commentary)*, Researched by Samir Mostafa Rabab, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Ibn Arabi, Mohyi al-Din. n.d. *Al-Fotuhah al-Makkiyah (Meccan Openings)*, Beirut: House of Sader. [in Arabic]
- Jawhari, Ismail ibn Hammad. 1978. *Al-Sehah: Taj al-Loghah wa Sehah al-Arabiyah*, Researched by Ahmad Abd al-Ghafur Attar, Beirut: Institute of Knowledge for Millions. [in Arabic]
- Jondi, Moayyed al-Din. 2003. *Sharh Fous al-Hekam*, Edited & Annotated by Seyyed Jalal al-Din Ashtiyani, Qom: Book Garden. [in Arabic]
- Kashani, Abd al-Razzagh. 2001. *Tafsir Ibn Arabi: Tawilat Kashani*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Kashani, Abd al-Razzagh. 2005. *Estelahat Sufiyah (Terminology of Sufism)*, Researched by Aasem Ibrahim al-Kayali al-Hosayni al-Shazeli al-Darghawi, Beirut: Islamic Book House. [in Arabic]
- Kermani, Awhad al-Din. 1987. *Diwan Robaiyat Awhad al-Din Kermani*, Edited & Researched by Ahmad Abu Mahmud, Tehran: Soroush, First Edition. [in Farsi]
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghub ibn Ishagh. 1986. *Al-Kafi*, Edited & Researched by Ali Akbar Ghaffari & Mohammad Akhundi, Tehran: Islamic Books House, vol. 4. [in Arabic]

بررسی تطبیقی ضوابط تأویل در تفسیر عرفانی سوره قدر / ۲۸۵

- Majlesi, Mohammad Bagher ibn Mohammad Taghi. 1982. *Behar al-Anwar (Oceans of Lights)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser, et al. 1995. *Tafsir Nemuneh (Ideal Commentary)*, Tehran: Islamic Book House, First Edition. [in Farsi]
- Maleki Tabrizi, Mirza Jawad Agha. 2009. *Tarjomeh al-Moraghebat*, Qom: Ghaem Al Mohammad. [in Arabic]
- Meybodi, Abu al-Fazl Rashid al-Din. n.d. *Kashf al-Asrar wa Oddah al-Abrar (Revelation of Secrets and Provision of the Righteous)*, Edited by Ali Asghar Hekmat, Tehran: Amirkabir, Fifth Edition. [in Arabic]
- Mir Bagheri, Seyyed Mohsen. 2002. "Sokhani Darbareh Shab Ghadr (A Word about Ghadr Light)", in: *Growth of Quran Education*, no. 1. [in Farsi]
- Molla Sadra, Mohammad ibn Ibrahim. 1984. *Mafatih al-Ghayb (Keys to Unseen)*, Tehran: Cultural Research Institute. [in Arabic]
- Molla Sadra, Mohammad ibn Ibrahim. 1999. *Se Rasael Falsafi (Three Philosophical Treatises)*, Foreworded, Edited & Annotated by Seyyed Jalal al-Din Ashtiyani, Qom: Islamic Propagation Office. [in Farsi]
- Mostamli Bokhari, Ismail ibn Mohammad. 1984. *Sharh al-Taarof le Mazhab al-Tasawwof (Commentary of the Book Introduction to Sufism)*, Edited & Researched by Mohammad Roshan, Tehran: Asatir. [in Arabic]
- Mozaffari, Hoseyn. 2012. Barresi Mabani, Zawabet wa Rawesh-hay Tawil Erfani Quran Karim ba Takid bar Tawil-hay Molla Sadra wa Arefan (Examining the Foundations, Criteria and Methods of Mystical Exegesis of the Holy Quran with Emphasis on the Interpretations of Molla Sadra and Mystics), Supervisor: Seyyed Yadollah Yazdanpanah, PhD Thesis in Philosophy (Transcendental Wisdom), Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [in Farsi]
- Nasafi, Aziz al-Din. 2002. *Zobdah al-Haghaegh (Excerpts of Facts)*, Edited by Haghwerdi Naseri, Tehran: Tahuri, Second Edition. [in Arabic]
- Rafei, Rafi al-Din Seyyed Jafar. 2014. *Asrar Fatemiyah (Fatimid Secrets)*, Qom: Guiding Sun. [in Farsi]
- Ragheb Isfahani, Hosayn ibn Mohammad. 1991. *Al-Mofradat fi Gharib al-Quran (Glossary of Quranic Terms)*, Beirut: Knowledge Institute, Damascus: House of Knowledge and House of Shamiyah. [in Arabic]
- Raz Shirazi, Abu al-Ghasem. 1984. *Manahej Anwar al-Marefah fi Sharh Mesbah al-Shariah (Methods of the Lights of Knowledge in the Explanation of the Book Light)*

- of the Sharia*), Researched & Edited by Seyyed Mohammad Jafar Bagheri, Tehran: Khaneghah Ahmadi, Second Edition. [in Arabic]
- Safi Ali Shah, Mohammad Hasan ibn Mohammad Bagher. 1999. *Tafsir Quran Safi Ali Shah (Interpretation of the Quran by Safi Ali Shah)*, Tehran: Manuchehri.
- Sahifeh Sajjadiyeh. 2000. Translated by Abd al-Mohammad Ayati, Tehran: Soroush. [in Farsi]
- Soltan Ali Shah, Soltan Mohammad ibn Haydar. 1993. *Matn wa Tarjomeh Farsi Tafsir Sharif Bayan al-Saadah fi Maghamat al-Ebadah, Serr al-Asrar (Text and Persian Translation of Honorable Exegesis Expression of Happiness in the Levels of Worship, the Secret of the Secrets)*, Tehran: n.p, First Edition. [in Arabic]
- Tabatabai, Sayyed Mohammad Hosayn. 1996. *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Yardstick of the Interpretation of the Quran)*, Qom: Islamic Publication Office. [in Arabic]
- Tehrani, Mojtaba. 1995/02/18. Speech.
- Yazdanpanah, Seyyed Yadollah. 2016. *Forugh Marefat (A Burst of Knowledge)*, Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, First Edition. [in Arabic]